



رائول بهترین سال‌های عمرش را در باشگاه رئال مادرید گذراند و به مدت ۱۶ سال با روحیه خستگی‌ناپذیری که داشت تیم را در کنار بزرگترین تیم‌های قاره به پیش می‌برد و رقبا را یک به یک از میان برمی‌داشت

توانست برتری‌های خودش را با برتری‌های باشگاهش ترکیب کند و تبدیل به همان جادوگری شود که هواداران به آن نیاز داشتند. رائول مهارت بالایی در چسباندن توپ به تور دروازه داشت. تعداد دفعاتی که یک توپ سرگردان را به چنگ می‌آورد و آن را گل می‌کرد از او یک پدیده ساخت. این کار را با عکس‌العمل‌های برق‌آسا انجام می‌داد و قبل از اینکه شروع به خوشحالی کردن با هواداران کند انگشتر دست راست خود را می‌پوسید.

فوتبال بازی کردنش از کیفیت بسیار بالایی برخوردار بود و موجب رشک اکثر باشگاه‌های بزرگ اروپا می‌شد. با اعتماد به نفس زیادی که داشت همیشه یک حقه برای نفوذ به دروازه حریف و باز کردن آن پیدا می‌کرد. با دویدن هوشمندانه و شتاب فوق‌العاده‌اش خود را به محوطه جریمه می‌رساند. جهت‌یابی و هوشیاری‌اش زبانزد بود و توانایی عجیبی برای در اختیار گرفتن پاس‌های هم‌تیمی‌هایش داشت اما هیچ‌وقت منتظر نبود بقیه به او پاس بدهند تا گل بزند. آنقدر اعتماد به نفس داشت تا با فرار از چنگال مدافعان خود را به جلوی دروازه برساند و گل بزند.

در رقابت‌های اروپایی بود که بیش از پیش شهرت و افتخار برای خود کسب کرد. در زیر کانون توجه رسانه‌ها، به سرعت خود را به کلاس جهانی رساند و در سومین بازی از اولین فصل حضورش در لیگ قهرمانان در پیروزی ۶ بر یک مقابل فرنتس‌واروش هت‌تریک کرد.

این موفقیت به خودی خود بزرگ بود اما کاری که رائول آن شب کرد باعث شد تا نامش به عنوان جوان‌ترین بازیکنی که موفق به هت‌تریک در تاریخ این تورنمنت شد ثبت شود. اینگونه بود که دوران باشکوه سلطنت رائول آغاز شد و برای مدتی برترین گلزن تاریخ لیگ قهرمانان شناخته می‌شد. در مجموع ۷۱ گل به ثمر رساند که ۶۶ تا از آنها را با پیراهن رئال مادرید به‌دست آورد و از زمانی که این تورنمنت در سال ۱۹۹۲ تغییر شکل داد، اولین گلزنی شد که در فصول متوالی در رتبه نخست قرار می‌گیرد.



برترین گلزن تاریخ باشگاهش به شمار می‌آید، اما زمانی که کریستیانو رونالدو از راه برسد و تمام معادلات را بر هم بزند. بسیاری دوست دارند دائم اشاره کنند به اینکه رونالدو خیلی زودتر این رکورد را به‌دست آورد نسبت به زمانی که برای رائول طول کشید تا عنوان برترین گلزن باشگاه را از آن خود کند اما حرف‌های زیادی برای گفتن در مورد جاودانگی قابل ستایش «فرشته مادرید» وجود دارد. مردم نمی‌دانند که عملکردهای رائول چه تأثیری روی بهترین بازیکنان حال حاضر دنیا دارد و همین موضوع نشان می‌دهد که او چه بازیکن خارق‌العاده و باور نکردنی بوده است.

با نمایش مهارت‌ها و چالاک‌هایش نمادی از افتخار و عظمت شد. در طول مدتی که در پایتخت بازی می‌کرد ۱۶ عنوان قهرمانی به‌دست آورد که بطور میانگین یک قهرمانی برای هر سال حضورش در تیم بود. انبوهی از جام‌ها و مدال‌ها که شامل سه قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا، شش قهرمانی لالیگای اسپانیا و یک قهرمانی سوپر جام اروپا است را در کارنامه دارد. تأثیری که روی باشگاه گذاشت فراموش نشدنی است و هواداران قطعاً همیشه موفقیت‌های او را به یاد خواهند آورد.

بهترین سال‌های عمرش را در باشگاه رئال مادرید گذراند و به مدت ۱۶ سال با روحیه خستگی‌ناپذیری که داشت تیم را در کنار بزرگترین تیم‌های قاره به پیش می‌برد و رقبا را یک به یک از میان برمی‌داشت.

در بدو ورودش به تیم و در اولین بازی‌اش اولین گلش را به ثمر رساند، آن هم به تیمی که برای مدت کوتاهی خانه‌اش شده بود، یعنی اتلتیکو مادرید. همچنین نقش کلیدی هم در به ثمر رسیدن گل دوم تیم ایفا کرد و هواداران از صمیم قلب او را تشویق کردند. با همان اولین بازی و کمک شایانی که در پیروزی تیم در دربی پایتخت کرده بود جای خودش را در دل هواداران باز کرد و همه با آغوش باز حضورش را در تیم پذیرفتند.

او تمام موفقیت‌هایش را به خاطر اشتیاق سوزانش به گلزنی و تمام کردن‌های بسیار دقیقش به‌دست آورد. البته باید اشتیاق سیری‌ناپذیرش به پیروز شدن و عشق عمیقش به باشگاه و هواداران را هم اضافه کرد. رائول اصلاً دنبال جلب توجه و نمایش‌های افراطی برای جذب مخاطب نبود اما این مسأله به این معنی نیست که بازی‌اش تماشایی نبود. مثل تمام بزرگان واقعی فوتبال، توانایی فوق‌العاده‌ای در ترکیب کردن مهارت‌های غیرقابل‌وصفش با عملکردهای خیره‌کننده و هدمفند داشت.

با وقار و متانت خاص و استعداد بی‌مانندش سانتیاگو برنابئو را به وجد می‌آورد اما هرگز این کار را برای خودنمایی و یا پز دادن به رقیب انجام نمی‌داد. در هیچ کاری زیاده‌روی نمی‌کرد و نیروی خود را هم بی‌خودی هدر نمی‌داد. همه چیز برای رائول حساب شده و دقیق بود. مطمئناً می‌توانست کاری کند که دوربین‌ها روی او زوم کنند اما در عوض تمام توانش را برای پیشرفت تیم به کار می‌گرفت و البته تلاش‌های دلسوزانه‌اش هم به خوبی نتیجه داد و تبدیل به نمادی قابل احترام و بزرگ برای باشگاه شد.

بازی کردن برای باشگاه‌های بزرگ خواه ناخواه باعث اعتماد به نفس بازیکنان می‌شود اما همیشه همه چیز خوب نیست و حواشی اعصاب‌خردکن هم زیاد پیش می‌آید. خصوصاً که برای قدرت برتر منطقه بازی کنی و هوادارانی مثل هواداران شکست‌ناپذیر رئال مادرید داشته باشی. رائول اما از همان ابتدا نشان داد که هر نوع فشاری را به عنوان اهرمی برای رشد و انگیزه بیشتر تلقی می‌کند. نه تنها این، بلکه رائول به خوبی

باعث شده بود تا بنشیند و تماشاگر بازی آنتونیو آدان و دیگو لویس به عنوان دروازه‌بان تیم باشد. بعد از اینکه اطلاعات باشگاه توسط او به رسانه‌ها درز پیدا کرد مورینیو او را طرد کرد و حتی برخی از طرفداران باشگاه هم شروع به توهین و فحاشی به او کردند.

ایگر که تقدسش را در پرده‌ای از ابهام می‌دید دوران فوق‌العاده تلخی را می‌گذراند و مجبور بود با رنج و عذاب تماشا کند که چطور تیم رقیب یعنی بارسلونا تحت مربیگری پپ گواردیولا بار دیگر به قدرت برتر اسپانیا تبدیل می‌شود. تندی کاسیاس باعث شده بود تا شأن و منزلت افسانه‌ای که پیدا کرده بود لکه‌دار شود و هر طرف را که نگاه می‌کرد در خروجی را می‌دید. به نظر می‌رسید که تنها یک معجزه می‌تواند او را از پایانی ناشایست نجات دهد. خوشبختانه کاسیاس تمام عمرش با معجزات سر و کار داشت و رستگاری همان اطراف در انتظار اون نشسته بود.

کارلو آنچلوتی جانشین مورینیو شد و بلافاصله کاسیاس را به ترکیب ثابت برای کوپادلری و لیگ قهرمانان برگرداند. اینگونه بود که کاسیاس دوباره تیمش را به سمت گرفتن هر دو عنوان قهرمانی در سال ۲۰۱۴ هدایت کرد. او تبدیل به تنها دروازه‌بانی شد که تا فینال کوپا دروازه را بسته نگه داشت و در فینال با نتیجه ۲ بر یک بارسا را شکست دادند. و بعد از آن تاریخ‌سازی بزرگتری هم در اروپا انجام داد.

پیروزی ۴ بر یک رئال مقابل اتلتیکو باعث شد تا کاسیاس «لادسیما» را بالای سر ببرد و تبدیل به سومین بازیکن-بعد از فرانتس بکن باوئر و تددیه دشان- در کل تاریخ شود که هم یورو، هم جام جهانی و لیگ قهرمانان را به عنوان کاپیتان فتح می‌کند. موفقیت‌هایش باعث شد که مرد شماره یک باشگاه شود و دوباره در قلب مادریدی‌ها نفوذ کند. او از مرگ برگشت، رستخیزی که مناسب لقب مقدسش است. اگر تنها یک تصویر وجود داشته باشد که شمایل ایگر کاسیاس را به درستی نمایش دهد تصویری است که در ماه مه ۲۰۱۴ در میدان سیبلس از او ثبت شد؛ در حالی که روی سکو در پشت قواره سیبلس ایستاده جام محبوب لادسیما را بالای سرش نگه داشته است. هزاران هوادار میبهوت تماشا می‌کنند و فریاد شادی سر می‌دهند. در چشمان‌شان می‌شود خوانند که در مورد او چه فکری می‌کنند: کاسیاس دقیقاً جایی ایستاده که به آن تعلق دارد، استوار در میان الهه‌ها.

رائول



هواداران فوتبال کسی را می‌خواهند که آنها را میخکوب کند و چشمان‌شان را از شکوه و جلال و جبروت پر کند، جادوگری کمیاب که در زمین بازی هنرنمایی کند و با درخشش خیره‌کننده‌اش شادی و سرور برای آنها به ارمغان بیاورد. آنها عاشق این هستند که ببینند در تیم‌شان اعجوبه‌ای دارند که با انواع ترندها و شعبده‌بازی‌هایش آنها را مدام به وجد می‌آورد.

سر هر تماشاگری به سمت این شخص خاص در زمین بازی می‌چرخد اما امروزه در میان این همه شور و هیجان‌های افراطی و در روزگاری که موضوعات مختلف با سرعتی وحشتناک جای خود را یکی پس از دیگری به موضوعی دیگر می‌دهند، سخت می‌شود به معنی واقعی یک ستاره بااستعداد را که در مسیر رشد و شکوفایی است، شناخت و درک کرد.

مردم همیشه در میان هیاهوها گم می‌شوند اما با این وجود، اگر تو برای خودت کسی هستی و به توانایی‌هایت ایمان داری قطعاً به حساب می‌آیی و جلب توجه کردن برایت چندان هم دشوار نخواهد بود. این بازیکنان ویژه جایگاه خاصی دارند. آنها با نمایش‌های عجیب و غریبی از نبوغ و استعداد خارق‌العاده خود همه را شیفته اغواگری‌های خود می‌کنند و باعث می‌شوند که تمام مردم دنیا بدون نظر گرفتن تعصب‌های خود به تیم‌های دیگر، از تماشا بازی زیبا در زمین مسابقه لذت ببرند و هیجان‌زده شوند.

بعضی استعداد ذاتی دارند و بعضی یاد می‌گیرند که بدرخشند. از میان تمام اینها فقط تعداد معدودی از بازیکنان به آن جایگاه والای مقدس در ورزش دست پیدا می‌کنند اما رائول گونسالس بلانکو یکی از چنین فوتبالبست‌هایی بود که با عظمت و روحیه خاص خود، تبدیل به یکی از محترم‌ترین و بزرگ‌ترین مهاجمانی شد که زمین فوتبال تا به حال به خود دید.

رائول در اوایل دهه ۱۹۹۰ به عنوان یک تازه‌کار دوران بازی‌اش را با تیم اتلتیکومادرید شروع کرد و وقتی تصمیم عجیب مبنی بر قطع همکاری تیم جوانان با باشگاه گرفته شد، از تیم بیرون رانده شد. چندان طول نکشید که این نوجوان به سرعت تبدیل به رشته مهم در تار و پود باشگاه رقیب شد؛ بی‌شک بهترین مهاجمی که باشگاه رئال مادرید تاکنون پرورش داده است. قبل از تمام این اتفاقات رائول مدت کوتاهی را با تیم جوانان سیدپوشان گذراند. به این معنی که او آنقدر خاص بود که بعد از گذراندن تنها چند ماه کوتاه در آکادمی به تیم اول راه پیدا کرد.

در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۹۴ در مقابل رئال ساراگوسا به میدان رفت. آن روز بخصوص نتوانست به امتیاز تیم اضافه کند اما خیلی زود با حضور در ۷۴۰ بازی در قدرتمندترین تیم اسپانیایی تاریخ لیگ قهرمانان نشان داد که خیلی کم پیش می‌آید رائول موفق به گلزنی در یک بازی نشود. در طول این مدت ۳۲۳ گل به ثمر رساند و برای مدتی طولانی

چرا که در لالیگا بالاتر از سیدپوشان ایستاده بودند. در عوض رئال با شکست مقابل ولادولید به طرز ناباورانه‌ای در جایگاه پنجم قرار گرفته بود. آنچه که در پی آمد نبردی تماشایی بود که به سرعت توازن را برقرار کرد و قدرت را به صاحب اصلی برگرداند. رئال اولین خون را ریخت و گل‌های زیبایی فرناندو مورینتس و رائول خنجر دردناکی به قلب آندلوس‌های فرو کرد.

کاسیاس اروپا را فتح کرد و در زیر چتر موفق‌ترین گول فوتبال به استاد حرفه خود تبدیل شد و جالب اینجاست که تمام این دستاوردها پیش از تمام شدن دوران نوجوانی‌اش اتفاق افتادند. در دوسال بعد از آن شاهد اولین عنوان قهرمانی لیگ، دومین جام قهرمانان و آن عملکرد تماشایی و شگفت‌انگیز در سوون بود.

علاوه بر تمام موفقیت‌هایش در زمین مسابقه، شخصیت تحسین‌برانگیزش بیشتر از هر چیزی برایش معنی داشت. می‌گوید: «نمی‌خواهم به عنوان دروازه‌بان خوبی از من یاد شود، می‌خواهم از من به عنوان انسانی خوب یاد کنند.» عشاق فوتبال اغلب مرزی بین ورزش و تقدس قائل نیستند. در بین آنها این یک امر بسیار عادی است که بازی زیبا را به عنوان دین و آئین خود به شمار آورند؛ رقابت بین انسان‌ها برای ورود به قلمرو الهیبت. برای کسانی که به کلیسای لاروخا اقتدا می‌کنند ۱۶ ژوئن ۲۰۰۲ زمان تاجگذاری مسیح‌شان است.

زائران با لباس‌های قرمز، طلایی و آبی دسته دسته و فوج فوج حرکت می‌کنند تا در شهر سوون گرد هم بیایند. ورزشگاه جام جهانی کره جنوبی که کعبه اسپانیایی‌ها شده، محل برگزاری ۱۶ مسابقه اخیر بود و حالا اسپانیا باید مقابل جمهوری ایرلند بازی کند. انگار که بازی تشریفاتی بود. اسپانیا در همان نیمه اول کنترل بازی را در دست گرفت و از حریف پیش افتاد. وقفه بین دو نیمه برای پسران سبزپوش فرصت خیلی خوبی بود تا نیروی خود را احیا کنند و با دستورالعمل‌های تاکتیکی جدیدی که مربی میک مک‌کارتی به آنها داد به بازی برگردند. هجوم ایرلندی‌ها شروع شد و یک پنالتی به‌دست آوردند. ایان هارت پا به جلو گذاشت و جلوی چشمانش ایگر کاسیاس جوان توپ را مهار کرد. بازی برای دروازه‌بان ۲۱ ساله عالی پیش می‌رفت تا اینکه رابی کین گل تساو را به ثمر رساند و بازی به وقت اضافه کشیده شد و سرانجام ضربات پنالتی سر رسید تا برنده دیدار مشخص شود. کاسیاس که با دلاوری‌های پیش از این بسیار جسور و با اعتماد به نفس شده بود به مبارزه پرداخت و جلوی ضربات دیوید کانلی و کوین کیلین را گرفت، رویای ایرلند را نیمه تمام گذاشت و اسپانیا را پیروزمندان به میان هشت تیم نهایی رساند. مردم که بعد از بازی حساسی احساساتی شده بودند به کاسیاس لقب «ایگر مقدس» را دادند؛ عنوان بسیار مناسبی که با عملکرد شگفت‌انگیز کاسیاس جور درمی‌آمد. هرچند در کنار تمام این تحسین‌ها و تمجیدها، توجه ویژه به چنین استعداد خارق‌العاده‌ای با بد اقبالی کس دیگری همراه بود.

الهیات ایگر مقدس به قلب پایتخت اسپانیا نفوذ کرده بود و در حالی که در جایگاه ملی هم شدیداً قابل احترام و بزرگ بود، کاپیتانی‌اش در بزرگترین نسل اسپانیا بود که به او اجازه داد تا از مرز بین فوتبال و ایمان بگذرد و مقدس شناخته شود. با حذف رائول از ترکیب، کاسیاس بازوبند کاپیتانی را در یورو ۲۰۰۸ به بازوی خود بست و هرگز به عقب نگاه نکرد.

اسپانیا در گروهش اول شد و در یک‌چهارم به مصاف ایتالیا رفت. آتزواری هم خودشان والامقامی به نام جانلوئیجی بوفون داشتند. دو دروازه‌بان پا به پای هم پیش می‌رفتند اما بعد از ۱۲۰ دقیقه بازی تماشایی و نفسگیر رنگ کلیسای لاروخا با غرور طنین‌انداز شد و ایتالیا در سکوتی عمیق فرو رفت. کاسیاس همانطور که دو سال پیش این کار را کرده بود دو پنالتی را مهار کرد، اول به سمت راست دروازه پرواز کرد و ضربه دانیله دروسی را گرفت و بعد به سمت چپ پرید و آنتونیو دی‌ناتاله را ناگام گذاشت. پیروزی پشت پیروزی باعث شد تا کاسیاس اولین دروازه‌بان کاپیتانی باشد که جام قهرمانی اروپا را بالای سر می‌برد.

دو سال بعد رنگ‌های کلیسای جامع آلموندنا بلندتر و پرافتخارتر از همیشه به صدا درآمد. با کاپیتانی ایگر مقدس اسپانیا با شکست هلند برای اولین بار در تاریخ قهرمان جهان شد. دو سیو تک‌به‌تک با پیشروی آریین روبین باعث شد تا آندرس اینیستا در وقت اضافه فرصت نفوذ پیدا کند و اسمش را در تاریخ اسپانیا ثبت کند. کاسیاس دستکش طلایی تورنمنت را هم به دست آورد و با دستان مقدسش جام را در ژوهانسبورگ نوازش می‌کرد. کمتر کسی یاری رقابت با کاسیاس را در خود می‌دید.

تصویر کاسیاس با چشمان بسته و جامی که بالای سر خود نگه داشته به سرعت تکثیر شد و تقریباً زینت‌بخش دیوار اتاق تمام بچه‌ها شده بود. کاسیاس به فیفا گفت: «بهترین چیزی که می‌تواند برای کسی اتفاق بیفتد گرفتن دستکش طلا همزمان با قهرمانی تیمت در جهان است. کسب جایزه فردی در حالی که تیمت قهرمان نشده احساس خوبی نیست اما من خیلی خوش شانس بودم که ما جام جهانی را بردیم و من بهترین دروازه‌بان تورنمنت شدم. این قضیه خوشحالی من را دو برابر کرد.»

یک قهرمانی دیگر در اروپا به دست آمد اما این در حالی بود که کاسیاس سخت‌ترین دوران حرفه‌ای‌اش را سپری می‌کرد. رابطه نه چندان خوبی که با مربی رئال، ژوزه مورینیو داشت